

دریچه

تغییر قواعد بازی در بر نامه سپر دفاع موشکی

■ گزارش‌هایی که تعدادی از مقامات سطح بالای ایالات متحده آمریکا و روسیه درباره مساله سپر دفاع موشکی تهیه کرده‌اند، نشان می‌دهد که امکان دارد درصورت همکاری طرفین و تأسیس یک نظام موشکی مشترک به کلی «قواعد بازی» در این ماجرا تغییر کند.

مساله سپر دفاع موشکی سال‌هاست که روابط روسیه و آمریکا را تحت تأثیر قرار داده و هر از چندگاه تلخ کرده است. نگاهی به تیتز روزنامه‌های اخیر در روسیه و آمریکا نشان می‌دهد که گویی مسایل مربوط به دوران جنگ سرد از نو تداعی می‌شود. روسیه در برابر استقرار سپر دفاع موشکی غرب می‌گوید تصمیم دارد موشک‌هایی را مستقر کند که قادر باشند این سامانه را هدف قرار دهند. آمریکایی‌ها هم می‌گویند سیستم تازه‌تری را مستقر خواهند کرد. آمریکا قصد دارد در چارچوب برنامه سپر دفاع موشکی و به کمک پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) موشک‌هایی بازدارنده را در اروپا و پیرامون آن مستقر کند. این کشور مدعی است هدف از چنین اقدامی پیشگیری از حملات موشکی احتمالی از سوی ایران است. اما مسکو معتقد است استقرار چنین سامانه‌ای امنیت این کشور را خدشه‌دار می‌کند. به‌خصوص اگر در شرایطی باشد که بتواند سیستم بازدارندگی روسیه را خنثی کند.

از همین‌رو کمیته‌ای بین‌المللی از دو سال پیش مشغول بررسی این موضوع شد که بتواند به کمک نظامیان راحل تازه‌ای پیدا کرده و مفهومی اساسی را برای یک همکاری مشترک بین طرفین کشف کند. در همین رابطه پیشنهادی را به کمیته امنیت اروپا ارایه داده است با این مفهوم که روسیه و ناتو و آمریکا از طریق رادارها و ماهواره‌های خود درباره احتمال حملات موشکی از هر سو تبادل اطلاعات کنند. به این معنا که هریک از طرفین اطلاعات تکمیلی خود را در اختیار طرف مقابل نیز بگذارند. از این رو هر طرفی مسؤول سقوط موشکی خواهد بود که تهدیدکننده است و به همین دلیل از جهت مدیریت و تسلط بر امور مسؤولیت کامل دارد.

تهدیدات اتمی

استفان هادلی مشاور امنیت ملی سابق و عضو حزب جمهوری که ریاست مجموعه‌ای را بر عهده دارد پیشنهاد اخیر را ارایه داده است در این رابطه می‌گوید: روس‌ها اگر در مورد حملات موشکی ایران تردید داشته باشند نگرانی‌شان درباره پاکستان که موشک‌های بالستیک و تسلیحات اتمی دارد جدی است. وی می‌افزاید: مجموعه‌ای که این پیشنهاد را مطرح کرده‌اند متشکل از تعدادی از کارشناس آمریکایی و اروپایی و روسی هستند. هدف اصلی آنها به طور خلاصه این است که تهدیدهایی از جهت گسترش سلاح‌های اتمی و موشک‌های بالستیک که بردشان به ۴۵۰۰ کیلومتر می‌رسد وجود دارد و نیاز به دفاع در برابر چنین موشک‌هایی برای همگان یک امر ضروری است.

به گفته هادلی: استقرار سامانه‌های دفاعی زمایی طولانی می‌تلید. مساله دیگر این است که حتی اگر دست‌اندر کار آن شوی، می‌بینی که «دیر رسیده‌ای!» هادلی ریاست گروهی را بر عهده دارد که به همراه وزیر دفاع سابق آلمان و معاون وزیر خارجه سابق روسیه و یک ژنرال بازنشسته ارتش این کشور در زمینه دفاع موشکی بررسی می‌کنند. پیشنهاد مربوط به سپر دفاع موشکی بخشی از گزارش‌ای است که این مجموعه می‌گوید باید ایالات متحده آمریکا و کشورهای عضو ناتو و روسیه با یکدیگر در کنار مسایلی چون قطب شمال و انرژی و نزاع‌های منطقه‌ای در زمینه مساله دفاع موشکی نیز همکاری کنند.این گزارش اخیرادر کنفرانس امنیت بین‌المللی در مونیخ آلمان ارایه شد.

طبق این پیشنهاد برای تحقق یک «همکاری موفقیت‌آمیز» در زمینه دفاع موشکی باید قواعد بازی تغییر پیدا کند و گام‌های بلندی برای غلبه بر میراث تاریخی گذشته برداشته شود تا بتوان به سمت یک تحول استراتژیک مطلوب حرکت کرد. پیشنهاد یادشده می‌گوید همکاری در زمینه دفاع موشکی یک شیوه عمل گروهی و استنادسازی را به وجود خواهد آورد و به همکاری در سایر حوزه‌ها نیز سرایت خواهد کرد. مساله دفاع موشکی از زمانی که ربع قرن پیش رونالد ریگان تفکر جنگ ستارگان را برای مقابله با حملات موشک‌های بالستیک مطرح کرد مایه نگرانی بوده است اما طی ماه‌های اخیر گفتمان روس‌ها در این‌باره تند و تندتر شده است.

روسیه بارها نسبت به طرح‌های مربوط به استقرار سامانه سپر دفاع موشکی آمریکا در نزدیکی کشورشان از جمله در لهستان و رومانی و ترکیه که اعضای ناتو هستند اعتراض کرده است زیرا رادارهای مستقر در این مناطق قادرند چیزهایی را که در داخل خاک روسیه می‌گذرد رصد کنند.

از سوی دیگر آمریکا نیز با وجود سخنان مفصل رابرت گیتس وزیر دفاع سابق این کشور درباره همکاری موشکی دو کشور در سطح اروپا، نسبت به همکاری با روس‌ها ابراز نگرانی می‌کند. این مساله در مذاکرات دوران ریاست‌جمهوری اوباما و بوش نیز بارها ابراز شده است. در کنگره آمریکا برخی از قانونگذاران بی‌نهایت از این بابت نگران هستند که نکند دولت اوباما اطلاعات حساسی را در اختیار مسکو بگذارد. به همین دلیل اخیرا قانونی را تصویب کرده‌اند که تبادل اطلاعات سری را ممنوع می‌کند مگر پس از آنکه دولت به اطلاع کنگره رسانده باشد.

منبع:الجزیره



سومین مرد ثروتمند روسیه، به باور برخی دومین، به اعتقاد بسیاری نخستین رقیب واقعی انتخابات ریاست‌جمهوری است؛ میخائیل پروخوروف. تاکنون طعم قدرت را تجشیده اما ثروت فراوان داشته؛ می‌گویند ماموریتش آوردن مردم به پای صندوق‌های رای برای مشروعیت بخشیدن به انتخابات است اما دستش با دست پوتین در یک کاسه است. از زویندهای پشت پرده پوتین که چشم‌پوشیم، روند افزایش محبوبیتش در میان مردم و عملکرد متفاوت نسبت به قدرت اول روسیه آشکار می‌شود. نه از گوش سپردن به مردم می‌گریزد و نه با وعده «هی گویم حسابش را برسد» مردم را دست‌به‌سر می‌کند. تمام تلاشش این است که به چشم بیاید و راه این کار را خوب می‌داند. پروخوروف همان کسی است که با وجود شایعات مبنی بر همدستی با پوتین، وی را برای نخستین بار به فکر رقابت در دور دوم انتخاباتی انداخته و هیچ کس بعید نمی‌داند که این حریف نه چندان قدر امروزی، پیروز انتخابات‌فردا باشد.

در روزهای نخست اعلام نامزدی میخائیل پروخوروف برای شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه، همه گمان می‌کردند این میلیاردر در روس و مالک باشگاه بسکتبال نیوجرسی تنس، رقیبی جدی برای ولادیمیر پوتین نخواهد بود اما اگر پیروز میدان انتخابات شود چه؟ اگر سیزدهم ژانویه نگاهی به ساختمان تلگراف مرکزی مسکو، با یک بلوک فاصله از کرملین می‌انداختید، شاید گمان می‌کردید کسی در حال پخش پاکت پول است. بازنشستگان، خانم‌های خانه‌دار، دانشجویان و معلمان مدارس در ورودی آن را پوشانده و جمعیت تا خیابان کشیده شده بود. همگی روی پاها بلند شده و سرهای خود را تا جایی که می‌شد بالا آورده بودند تا نگاهی هرچند کوتاه به مرد لاغر اندامی که در از-دحام جمعیت گیر کرده بود، بیندازند. حتی از ورای جمعیت هم می‌شد او را دید؛ میخائیل پروخوروف، میلیاردری که برای افتتاح دفتر مبارزات انتخاباتی خود جهت رقابت در انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه در این مکان حاضر شده بود. بخش عجیب این صحنه لذت بردن پروخوروف از تعامل با مردم و گوش سپردن به گلایه‌های آنها بود و اینکه حتی اجازه می‌داد آنها گوشه کتش را بیاخذند. نکته‌ای که واقعا عجیب بود اینکه همه افراد حاضر به استثنای خبرنگاران، واقعا به توانایی وی برای پیروزی در انتخابات اعتقاد داشتند.

مطبوعات به استثنای رسانه دولتی روسیه- تاکنون در روایت‌های خود، پروخوروف را عروسک دست‌ی کرملین خوانده‌اند؛ پیش‌فرضی که عمده استواری و اساس آن بر تجربه تکیه دارد. اکثر نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری روسیه از سال ۲۰۰۰ و زمانی‌که ولادیمیر پوتین نخستین بار به ریاست‌جمهوری رسید، همگی متعلق به اپوزیسیون به اصطلاح «سازنده» (شما بخوانید: یادگاری) بوده‌اند. همه آنها مردانی چون گنادی زیوگانوف، رئیس حزب کمونیست ولادیمیر ژیرینوفسکی، رهبر ملی‌گرای افراطی حزب لیبرال دموکرات هستند که از زمان سرنگونی اتحاد جماهیر شوروی تقریباً در تمام مبارزات انتخاباتی شرکت کرده و شکست خورده‌اند و هر بار با اعتماد به نفس کمتری پا به عرصه مبارزات گذاشته‌اند. (هر دو آنها در انتخابات سال ۲۰۰۴، زمانی‌که محبوبیت پوتین به بالاتر از ۷۰درصد رسید، از گود خارج شدند) اکنون هر دو آنها در حالی‌که در اواخر دهه ششم زندگی خود قرار دارند، با وجود حضور دوباره در انتخابات، تکرابویی چندانی برای رقابت ندارند؛ دست‌کم نه با توجه به عباراتی که آنها را مخاطب قرار می‌دهد یا لطیفه‌هایی که طی یک دهه اخیر همواره در میان رای‌دهندگان دهان به دهان گشته است: «رفیق زیوگانوف (آقای ژیرینوفسکی)، باشه تو رئیس‌جمهور! اولین دستورت چیه؟» «آه من دستور می‌دم که همه قدرت ریاست‌جمهوری فورا به پوتین منتقل بشه»

نامزدهای مستقلی مانند گریگوری یاولینسکی، رهبر حزب لیبرال یابلوکو نیز معمولا از دور رقابت‌ها خارج می‌شوند. همان‌طور که کمیسوین مرکزی انتخابات ثبت‌نام یاولینسکی طی ماه گذشته را رد کرد و مدعی شد وی در کسب یک‌چهارم از دومیلیون امضا حامیان خود تقلب کرده و ۲۳درصد امضاها کپی شده‌اند. این امر باعث شده زیوگانوف و ژیرینوفسکی در کنار یکی دیگر از رهبران اپوزیسیون روسیه سرگئی میرونوف وارد رقابت‌ها شوند که ادای استقلالش در انتخابات همانقدر کشش دارد که سگ سیاه پوتین. میرونوف سال ۲۰۰۴ به عنوان رقیب پوتین در انتخابات شرکت کرد اما آشکارا از نامزد جبهه رقیب حمایت می‌کرد و زمانی‌که پوتین در سال ۲۰۰۸ برای دومین بار ریاست‌جمهوری روسیه را بر عهده می‌گرفت، میرونوف پیشنهاد تغییربندی از قانون اساسی برای افزایش دوره ریاست‌جمهوری دوست قدیمی خود را مطرح کرد.

پس در مورد پروخوروف شرایط به چه گونه‌ای است؟ وی در ۴۶ سالگی به عنوان جوان‌ترین نامزد انتخاباتی، یک مجرد ثروتمند است که به هیچ حزب سیاسی تعلق ندارد، هرگز به قدرت نرسیده و نزدیک به ۱۸میلیارد دلار ثروت دارد. وی مالک باشگاه بسکتبال نیوجرسی تنس است و همین امر این باور را که بتوان او را با چمدانی از پول خرید، از بین می‌برد. به نظر می‌رسد وی مجذوب افسون کرملین پوتین شده که می‌تواند راه رسیدن به طلا و نیکل به عنوان منابع اصلی بخش عمده ثروت وی را هموار کند. وی همچنین می‌تواند به دنبال یک مقام ارشد در دولت باشد که امکان لابی برای رسیدن به منافعی را آسان می‌کند اما با هر انگیزه‌ای هم که وارد رقابت‌ها شود، رهبران اپوزسییون روسیه معتقدند که وی یک دست‌نشانده است. بوریس نمتسوف، یکی از دوستان نزدیک پروخوروف و رهبر جنبش ضد دولتی روسیه در این‌باره می‌گوید: «بدون شک پروخوروف از همراهان پوتین در این انتخابات است و مانند هر تاجر بزرگ روسی به گونه‌ای به هر کوک این دولت بخیه شده است؛ بنابراین پوتین می‌تواند وی را به هر سویی که می‌خواهد هدایت کند»

این سرمایه‌دار بلندقامت اما در عمل به هیچ‌وجه عروسکی که بسیاری از اجبار حضورش در این رقابت‌ها سخن می‌گویند، نیست. زمان افتتاح دفتر مبارزات انتخاباتی در ساختمان مرکزی تلگراف وی ساعت‌ها برای دوستان نزدیک پروخوروف و در شرایطی به شکایت آنها در مورد صورت‌حساب‌های سرسام‌آور و مشکلات کودکستان گوش سپرد که مشاورانش در تلاش برای خارج کردن وی از میان جمعیت بودند. به نظر می‌رسید وی برای تمام این لحظات تمرین کرده و پاسخ‌هایی دقیق و شفاف در آستین دارد؛ در مورد سیاست خارجه: همراهی با اروپا. در مورد سیاست مالی: وضع مالیات بر ثروت‌مندان. در مورد اقتصاد: کمک به شرکت‌های کوچک. در مورد پوتین: وی ۱۲ سال خدمت کرده و اکنون زمان بازنشستگی‌اش فرارسیده‌است.

طی گفت و شنود با مردم، یک بازرگان جوان در مورد نرسیدن کمک‌های دولت به محل سکونت وی شکایت کرد و خواستار مداخله پروخوروف شد. وی با نگاه به مرد جوان که روی ویلچر نشسته بود، گفت: «آنچه در گام اول مورد نیاز است، تغییر کلی سیستم قدرت است. در حال حاضر مقامات تنها به موقعیت خود وابسته هستند اما باید به مردم وابسته باشند، به رای‌دهندگان. بدون ایجاد چنین تغییری، مشکل شما هرگز حل نخواهد شد.» اظهارات وی در تضاد کامل با روش پوتین برای کنترل شرایط بود که معمولا در

جهان

برخورد با شکایت‌هایی از این دست، قول می‌دهد که برخی ماموران دولتی گناهکار را تنبیه و مجازات کند. به نظر می‌رسد پروخوروف به جای سخنرانی برای مردم موعظه می‌کند. در طول سخنرانی وی، گروهی از مادربزرگ‌ها سرهای خود را به نشانه موافقت با سخنان وی تکان می‌دادند و زمزمه می‌کردند: «پسر خوب! همین را می‌خواهیم! او خوب عمل می‌کند، او رییس‌جمهور خواهد شد.» آنها چند ساعت پس از سخنرانی را صرف متقاعد کردن مردم در اطراف کرده که کاندیدای مورد نظرشان را دوست داشته باشند. آنها می‌گفتند: «ببینید چه خوب روسی حرف می‌زنند! آنهای دیگر همه به زبان عامیانه حرف می‌زنند.» در تمام این بحث می‌توانستیم شاهد حضور معلم مدرسه، زن خانه‌دار و حتی برخی دانشجویان باشیم. هیچ چیز نمی‌توانست در برابر اشتیاق آنها مقاومت کند. لیدیا یورینا، معلم مدرسه می‌گوید: «اینکه همواره به کمونیست‌ها رای داده‌ایم، نشان‌دهنده تمایل ما برای بازگشت به دوران اتحاد جماهیر شوروی نیست. ما به آنها رای می‌دادیم چون کس دیگری نبود. اما حالا پروخوروف را داریم.» اشتیاق و طمانینه در رفتار آنها نشان می‌داد هیچ شباهتی به افرادی نداشتند که چندی پیش برای شرکت در تظاهرات حمایت از پوتین استخدام شده بودند. آنها همان رای‌دهندگان آرمان‌گرا و عصبانی بودند که تعدادشان در روسیه امروز بسیار زیاد است. در انتخابات پارلمانی ماه دسامبر، برای نخستین بار از زمان قدرت گرفتن پوتین، بیش از نصف آرای مردمی به احزاب مخالف اختصاص یافت. حزب کمونیست زیوگانوف در حالی نزدیک ۲۰ درصد آرا را کسب کرد که به هیچ‌وجه این تعداد از مردم دلننگ حکومت استالینی نیستند. اتهامات در مورد تقلب انتخاباتی حزب پوتین که ۴۹درصد آرا را به دست آورد، بیش از پیش بر خشم مردم افزود. برای نخستین بار از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی آنها طاقث از تکف داده و وارد خیابان‌ها شدند تا تظاهرات دور از نظارتی را به راه بیندازند! این همان انرژی است که پروخوروف در تلاش برای جهت‌دهی به آن است. با کنار گذاشتن این سوال که آیا وی به دستور کرملین عمل می‌کند یا خیر، باید گفت شروع بسیار قوی و خوبی داشته است.

وی طی ماه گذشته دو سخنرانی پرشور در کازان و نووسیبیرسک داشته و قصد دارد تا پیش از انتخابات چهار مارس دست‌کم به شش شهر دیگر سفر کند. مدیران تجاری وی در ۳۰ منطقه روسیه در تلاش برای جذب آرا هستند و با وجود آنکه کمپین وی از افشای رقم هزینه‌ها امتناع کرده، باید گفت جیب‌های پروخوروف از هر نامزد دیگری عمیق‌تر است، حتی از پوتین. ماه گذشته نیز اقدام به راه‌اندازی یک «شورای اجتماعی» برای ستارگان موسیقی، ورزشکاران مشهور، مجریان تلویزیونی و افسران معروفی کرد که همگی از وی حمایت می‌کنند. اوایل ماه فوریه بود که در یک برنامه تلویزیونی قول داد، اگر پوتین را در انتخابات ریاست‌جمهوری شکست دهد، ۱۷میلیارد دلار از ثروت ۱۸میلیارد دلاری خود را خواهد بخشید.

اما براساس نظرسنجی که در ۳۱ ژانویه از سوی مرکز مستقل لواداسورت گرفت اگر انتخابات همین هفته برگزار شود، پروخوروف تنها چهاردرصد از آرا را از آن خود خواهد کرد و در کنار دو سیاستمدار دیگر، ژیرینوسکی و میرونوف قرار می‌گیرد. حال آنکه اگر این نظرسنجی تابستان گذشته انجام می‌شد، نتایج نشان می‌داد درصد اندکی از جمعیت روسیه حتی نام پروخوروف را می‌شناختند و همین‌چهاردرصدی در این مقایسه چندان هم بد نیست. براساس نظرسنجی دیگری از سوی لوادا، با وجود آنکه



عکس: AFP

رقیب پوتین؛ نامزد ساختگی یا واقعی

ترجمه: زهرا رحیمی

حزب کمونیست با هشت درصد آرا از پروخوروف پیش است، پوتین با ۳۷درصد آرا هر دو آنها را راهی دور دوم خواهد کرد. اول فوریه بود که پوتین برای نخستین بار معترف شد که امکان کشیده شدن انتخابات به دور دوم هم وجود دارد. نخست‌وزیر روسیه در جمع گروهی از ناظران انتخاباتی گفت: «کشیده شدن انتخابات به دور دوم نبردی طولانی را به دنبال دارد و این امر باعث بی ثباتی موقعیت سیاسی ما می‌شود.» اما با توجه به میزان محبوبیت پوتین که حتی در بررسی‌های دولت وی، به کمتر از ۵۰درصد رسیده، احتمال برگزاری دور دوم انتخابات وجود دارد و مراحل اداری آن در حال انجام است. برای مثال، مقامات انتخاباتی در منطقه اسمولنسک طی ماه ژانویه در نزدیک به یکمیلیون بوشور، شهروندان را دعوت به شرکت در دور دوم انتخابات کردند. حال سوال اینجاست که آیا کسی می‌تواند جایگاه دوم را از کمونیست‌ها بگیرد؟

آنتون کراسوسکی، مدیر کمپین پروخوروف می‌گوید: «استراتژی ما بسیار ساده است؛ ما هر روز راهی برای حضور در تلویزیون می‌یابیم تا مردم با صورت پروخوروف بیشتر آشنا شوند.» در همین راستا بود که وی هفته گذشته بدون هیچ دلیلی یک کنفرانس خبری به راه انداخت و در سالی که مملو از خبرنگاران بود، سخنرانی کرد. شبکه یک به عنوان شبکه دولتی روسیه که برنامه‌هایش به دقت از سوی کرملین مدیریت می‌شود، در اخبار شبانه خود پیش از دیگر نامزدها- البته به استثنای پوتین- بیش از دو دقیقه را به پخش این کنفرانس خبری اختصاص داد. پروخوروف به بینندگان این شبکه که تنها در روسیه به ۱۲۰میلیون نفر می‌رسند، اطمینان داد که «من با نبیّی جدی و برای مدتی طولانی وارد سیاست شده‌ام».

در این شرایط، دیگر شبکه‌های دولتی روسیه به شکل گنج‌کننده‌ای به تخریب پروخوروف می‌پردازند، به طوری که شبکه ان‌تی‌وی (یکی از سه شبکه اصلی روسیه با مالکیت شرکت گازپروم، با حدود ۱۲۰میلیون بیننده در سراسر جهان) سال ۲۰۰۷ را به بینندگان خود یادآوری کرد؛ زمانی که پروخوروف توسط پلیس فرانسه که در حال تحقیق پیرامون محافل زنان بدکار در منطقه اسکی کورشل آلپ بود، دستگیر شده و مدتی در بازداشت بود. وی در اظهاراتی، برخی دیگر از اتهامات علیه خود را تکذیب کرد.

آنچه پروخوروف هرگز تکذیب نکرده، اتفاقی بودن نامزدی وی و حمایت ضمنی از او بوده است. وی ماه گذشته در گفت‌وگو با رویترز تصریح کرد: «عبور از تمام موانع، کار آسانی نیست. برای رسیدن به انتخابات باید از یک چراغ سبز برخوردار باشید. باید چراغ سبزی از سوی اکثریت تجاری وی در ۳۰ منطقه روسیه در تلاش برای خبرنگاران در یک کنفرانس خبری منظور وی از این بیانات را پرسینند و اینکه چه کسی به او چراغ سبز داده و چرا؟ سوالی که وی از پاسخگویی به آن سر باز زده و گفته بود: «من هرگز چراغ سبزی نگرفتم و تمام موارد تحقیرآمیزی را که براساس قانون برای نامزدی لازم بود، رعایت کردم» و این حال، این سوال همچنان در تمام مبارزات انتخاباتی با وی حضور خواهد داشت. در هر صورت، این سوال تفاوت چندانی در بازده نهایی نخواهد داشت. بدون در نظر گرفتن اینکه آیا پروخوروف به شکل مخفیانه با پوتین توافق کرده که به عنوان شریک مبارز وی وارد این عرصه شود یا خیر، محبوبیت وی رو به افزایش است و بسیاری از مردم روسیه از اینکه رایشان را تقدیم او کنند، راضی خواهند بود. دست‌کم او برخلاف مثلث خسته اپوزیسیون روسیه، یک تازه‌وارد است و ممکن است همین امر برای راهی کردن وی به دور دوم رقابت‌ها کافی باشد. گمان می‌کنید زمانی که به چنین مرحله‌ای برسد چه خواهد کرد؟ وی درست مانند گوشت‌خواری که طعم خون را چشیده است، دیگر از رسیدن به قدرت دست نخواهد کشید.

منبع:فارن پالیسی

یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۰

روزنه

زمستان روسیه به سر می‌رسد؟

آرمان محمودیان

■ پیش‌بینی قطعی آینده روسیه با ۱۴۲میلیون نفر جمعیت و حدود ۷۰زبان محلی و داشتن ادیان و اقوام مختلف فقط از طریق جام جهان‌نمای مرلین ممکن است.

روسیه در طول تاریخش فراز و نشیب‌های بسیار دید. کشوری که تا قرن ۱۸در دنیای سیاست جهانی حرفی برای گفتن نداشت، ناگهان در اواخر این قرن با اصلاحات پتر که همچون برنامه پنج‌ساله استالین با مشت آهنین به انجام رسید در دنیای بین‌الملل به ایفای نقش پرداخت.

روسیه انقلاب‌های متعددی به خود دیده است؛ انقلاب‌هایی که همه با نیت آزادی‌خواهی همراه بوده است اما سرانجام آنها با سرکوب خونین بوده یا تولد دیکتاتوری‌های خشن‌تر را باعث شده است.

قرن ۲۰ برای روس‌ها قرن انقلاب بوده است. آنها در سال ۱۹۰۵ علیه حکومت خاندان رومانف به رهبری تزار نیکلاس دوم قیام کردند؛ قیامی که نتیجه آن سرکوب خونین یکشنبه سیاه شد. روس‌ها در سال ۱۹۱۷ دو بار انقلاب کردند. بار اول در فوریه که نتیجه آن سقوط خاندان رومانف بود و تشکیل دولت موقت الکساندر کرسکی را در پی داشت.

بار دیگر در اکتبر سرخ برای سرنگونی این دولت موقت قیام کردند؛ قیامی که آن را بلشویک‌ها برای پدید آوردن نظام تک‌طبقه‌ای و رفع هرگونه تبعیض اجتماعی به رهبری لنین به انجام‌رساندند.

نتیجه انقلاب اکتبر دو سال جنگ داخلی برای روس‌ها طی سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۸ بود. هزاران نفر کشته شدند که شوروی پدید آید؛ نظامی که بی‌خیال آنها در آن یک با یک برابر است و هیچ‌گونه تبعیضی در آن وجود ندارد. نتیجه این قیام ایجاد طبقه‌ای جدید به نام نومان کلاوترا بود؛ طبقه‌ای که جای نجیب‌زادگان خاندان رومانف به اعضای رده‌بالای حزب کمونیسم و افسران عالی‌رتبه کمیته امنیت دولتی موسوم به ک.ا.گ.ب داده شد.

نظامی که برای رفع فساد حکومتی پدید آمد در اوایل دهه ۹۰ میلادی آنچنان دچار فساد شد که سقوطش برای همگان محقر بود. در سال ۱۹۹۱ که سقوط شوروی قطعی بود طبقه نومان کلاوترا با اهرم ک.ا.گ.ب که افسران ارشد از ذی‌نفعان این طبقه بودند، در آگوست ۱۹۹۱ با انجام یک کودتای ناکام سعی در حفظ نظام کرد. برخلاف آنچه نوجوانچیان انتظار داشتند این کودتای ناکم سقوط شوروی را هموار کرد. نتیجه سقوط شوروی پدید آمدن روزنه‌ای برای تولد دموکراسی در روسیه بود. دوران گورباچف به پشتوانه برنامه آزادی اطلاعات برای عموم موسوم به گلاسنوست برای روس‌ها دورانی نه کاملاً دموکراتیک اما با نشانه‌ها دموکراسی پدید آورد؛ دورانی که با ظهور پلئسین در قامت ریاست‌جمهوری و بروز اختلافات شدید بین او و پارلمان به سمت خفگی پیش رفت که با به توب بستن مجلس در سوم اکتبر ۱۹۹۳ حیاتش پایان یافت.

اماد در این دوران بازیگران اصلی چه می‌کردند. مردم روسیه در طول تاریخ‌شان هیچ‌وقت هم‌قدم با حکام خود نبودند یا در دوران اصلاحات پتر عقب‌تر بودند که به زور سر نیزه هم‌قدم شدند یا همچون ۱۹۰۵ جلوتر بودند که به ضرب گلوله متوقف شدند. یا همچون وقایع ۱۹۹۳ به طور کامل مسیر را فراموش کرده و جاده را به حکام خود به طور مطلق سپردند.

اعتراضاتی به تحفלות صورت‌گرفته در انتخابات دوما در سال ۲۰۱۱ از بخشی از مردم روسیه دیده شد. فارغ از اینکه نمی‌توان گفت این اعتراضات تمام روسیه را دربردارد، حتی نمی‌توان مطمئن به محقق شدن هدف آنها بود، نشانه از ظهور بلوغ اجتماعی حداقل در بخشی از جامعه روسیه است.

ایین اعتراضات مذکور فارغ از منشأ اثرش نشان‌دهنده این است که روس‌ها حساسیت خود را نسبت به وضعیت اداره کشورشان باز یافته‌اند؛ احیایی که پیام روشنی برای حکام دارد. آنها دیگر همچون اکتبر ۱۹۹۱ در خواب به‌سر نمی‌برند و به جایگاه اصلی خود یعنی نظرات بر عمل حکام باز خواهند گشت.

مردم روسیه هرگز همچون ۱۹۱۷ از روی احساسات و به دلیل دغدغه‌های معیشتی اعتراض نخواهند کرد. روس‌ها به دنبال انقلابی نیستند که نتیجه آن پدید آمدن طبقه اجتماعی جدید باشد. روس‌ها دنبال اصلاحات‌ها، مطالبه مردم روسیه اموری کوچک و محدود به سفره غذایشان نخواهد بود. آنها طلب احیای کامل گلاسنوست را دارند. آنها می‌خواهنداعمال حاکمان‌شان را زیر نظر بگیرند. آنها نه دیگر می‌خواهند اقتصاد از آن دولت باشد نه از آن طبقه‌ای خاص. این سیستم نظارتی و اقتصادی شفاف‌ترمی‌خواهند.

دغدغه‌های روس‌ها عوض شده است. برف‌های روسیه در حال ذوب شدن است؛ ذوب‌شدنی که نتیجه آن بسته به عمل حکومت ممکن است سیلی ویرانگر باشد یا نعمتی برای همگان.